

غزل شماره ۱۹۵

غلامِ نرکسِ مستِ تو تاجدار اند

خرابِ بادهٔ لعلِ تو هوشیار اند

غلامِ نرکسِ مستِ تو تاجدار اند

خرابِ بادهٔ لعلِ تو هوشیار اند

تورا صبا و مرا آبِ دیده شد غماز

و گرنه عاشق و معشوق رازدار اند

ز زیر زلفِ دو تا چون گذر کنی بگر
که از یمن و یسارت چه سوگوار اند

گذار کن چو صبا بر بنفشه زار و بین
که از تطاولِ زلفت چه بی قرار اند

نصیبِ ماست بهشت ای خدا شناس برو
که مستحقِ کرامت کناحکار اند

نه من بر آن گلِ عارض غزل سُرایم و بس
که عنذلیبِ تو از هر طرف هزار اند

تو دستگیر شوای خضر پی خجسته که من

پیاده می روم و همزمان سوارانند

یاب میکرده و چهره ارغوانی کن

مرو به صومعه کآنجا سیاه کارانند

خلاص حافظ از آن زلف تبار مباد

که بنگان کمنند تو رسکارانند

تفسیر فال

خواهان بشمار و بی شماری داری که از نظر مقام و منزلت حتی در برخی موارد از تو بالاترند و این موضوع می‌تواند برای تو درس‌های مهمی به همراه داشته باشد. گاهی اوقات در بعضی موارد ادعایی را مطرح می‌کنی که خود به خوبی می‌دانی هنوز در فهمیدن اصول ابتدایی خود ناتوان هستی، به گونه‌ای که دست چپ و راستت را نمی‌شناسی. این نشانه‌ای است از اینکه هنوز در آغاز راه قرار داری و باید تلاش بیشتری برای شناخت خود و مهارت‌هایت داشته باشی. اما باید توجه داشت که هیچ‌کس بدون تجربه‌های اولیه، به موفقیت دست نخواهد یافت؛ بنابراین از فرازها و نشیب‌های زندگی نترس، زیرا هر یک از این تجربیات می‌تواند به تو کمک کند تا قوی‌تر شوی. آینده‌ای بسیار مبارک و پر بار انتظار تو را می‌کشد، هرچند ممکن است گاهی دچار لغزش‌هایی شوی یا خطاهایی مرتکب گردی. این خطاها نه تنها نشانه‌ی ضعف نیستند بلکه فرصتی هستند برای یادگیری و رشد فردی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)